



نگاهی به تفکر در قرآن

کاری از کمیته‌ی تقویت رویکرد فرهنگی تربیتی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

اندیشه، نوع اندیشه، فکر، تأمل، تمرین ذهن به روش فعال، اعمال نظر و تدبر برای به دست آوردن واقعیات و عبرت‌ها، مصادیقی هستند که در این فرهنگ‌نامه‌ها برای تفکر بیان شده‌اند.

تعریف تفکر

تفکر عبارت است از سیر و حرکت ذهن از یک مطلوب مجهول به سوی یک سلسله مقدمات معلوم، و سپس حرکت از آن مقدمات به سوی مطلوب مجهول، برای تبدیل آن به معلوم. البته لازم است این حرکت با آگاهی انجام گیرد.

تفکر مثل پدیده‌های دیگر، ظاهر و باطنی دارد. ظاهرش همان است که در تعریف خود را نشان می‌دهد و می‌تواند فرایند آن در همه‌ی افرادی که از سلامت جسمی برخوردارند، شکل بگیرد. اما اصل و باطن آن، مستلزم کسب شرایطی است که به آن روح و معنا می‌دهد و به فطری شدن و در نتیجه برقراری ارتباط و پیوند انسان با حقیقت جهان به عنوان خالق هستی منجر می‌شود.^۱ وقتی انسان به چنین حقیقتی پیوست، تفکرش، تفکر ایمانی می‌شود و بالعکس.^۲

اشاره

تهیه‌کنندگان این مقاله که اعضای کمیته‌ی تقویت رویکرد فرهنگی تربیتی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (خانم‌ها فاطمه رضائی و فریده عصاره، و آقای مهدی مروجی) هستند، بر آن‌اند که یکی از مفاهیم کلیدی مورد تأکید قرآن و عترت را که زیربنای تشکیل اعتقادات و رفتارها و در یک کلمه، شخصیت انسان متقی و عبد صالح را تشکیل می‌دهد، انتخاب کنند و الگویی را برای ورود آن به برنامه‌های درسی ارائه دهند. واژه‌ی انتخابی «تفکر» است که علاوه بر ویژگی‌های یاد شده، در برنامه‌های درسی، به ویژه در الگوی هدف‌گذاری برنامه‌ی درسی ملی نیز بسیار مورد توجه است. از خوانندگان گرامی انتظار داریم، این مقاله را با تعمق و تأمل بیشتری مطالعه کنند.

مفهوم تفکر

مفهوم تفکر در بیشتر فرهنگ‌نامه‌ها^۱ به معنی اندیشیدن است.

کار بستن را بالاترین سطح یادگیری دانسته‌اند.

۴. استنباط قضایای جدید از ترکیب قضایای علمی با

یکدیگر: شهید مطهری می‌فرماید: فرق است میان عالم بودن و روح علمی داشتن. زیرا عالم واقعی کسی است که روح علمی با عملش تأم باشد. منظور از داشتن روح علمی، یعنی روحیه‌ی نقادی داشتن. ابتدا باید مطالب را فهمید، سپس آن‌ها را نقد کرد. این همان چیزی است که خداوند در قرآن کریم انسان را بدان بشارت داده است [زمر/۱۷].

۵. تکرار: پیامبر(ص) وقتی حدیثی را بیان می‌کرد یا پرسشی از

ایشان می‌شد، آن را سه بار تکرار می‌کرد تا به خوبی برای مخاطبان روشن شود و فرصتی برای تأمل و تفکر پدید آید و موضوع فهمیده شود.

۶. استفاده از سؤال یا پرسش: در قرآن بیش از ۵۰ آیه داریم

که در آن‌ها سؤال کردن مورد توجه قرار گرفته است. این تکرار، اهمیت سؤال کردن را در فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد.

از دیدگاه قرآن کریم، سؤال باید مطلوب مخاطب باشد و پس از آن که به معلوم کردن مجهول انجامید، او را دانا کند. به فرموده‌ی حضرت امام موسی‌بن‌جعفر (علیه‌السلام)، آموزش باید پرسش آفرین باشد تا دانش‌آموز را به تفکر برانگیزد و جواب آن، عامل محرکی برای پویایی مخاطب به منظور ایجاد سؤال دیگری باشد؛ نه این که با یافتن پاسخ، نوعی ارضا از سؤال کردن در فراگیرنده فراهم آید.

در پرسش‌هایی که فراگیرندگان مورد خطاب قرار می‌گیرند، معلم قبلاً باید زمینه را برای پرسش فراهم کند.

۷. مخاطب قرار دادن «خود» یا جامعه یا گروه:

قرآن کریم می‌فرماید: «و فی انفسکم افلا تبصرون؟» خداوند با مخاطب قرار دادن انسان، او را به خوبستن خویش فرا می‌خواند تا به واکاوی خود بپردازد.

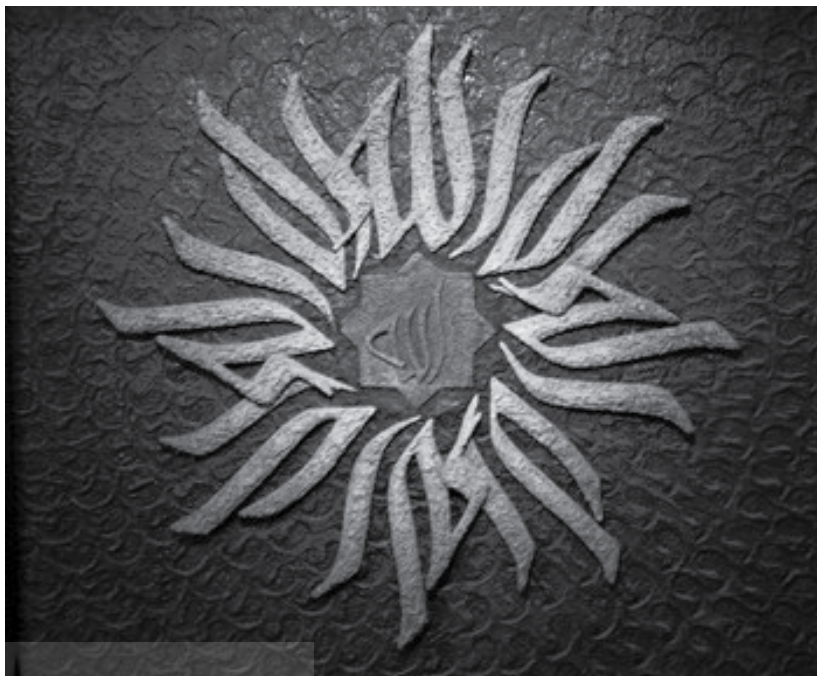
جای دیگر، همه‌ی انسان‌ها را به تنهایی مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «و اذکرو نعمت‌الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم...» [آل عمران/۱۰۳].

۸. دلیل یا برهان خواستن: برهان در لغت به معنای دلیل روشن

است که مجموعاً در هفت آیه‌ی قرآنی به این معنا به کار رفته است. روشن است که در ارائه‌ی دلایل، داشتن ارتباط با مسئله و استحکام منطقی مورد توجه است. این فرایند می‌تواند در طرح مسائل جدید و روشن شدن حقایق تازه برای پیشبرد هدفی خاص هم مورد توجه قرار گیرد.

تفکر و آموزش

منظور از «تفکر و آموزش»، آموزش تفکر نیست، بلکه منظور تبیین ویژگی‌های آن نوع آموزش و علمی است که با توجه به فرموده‌ی قرآن: «و ما یعقلها الا العالمون»^۴ و فرمایش حضرت علی (علیه‌السلام)، زمینه‌های تولید و شکوفایی تفکر را فراهم آورد. در ادامه، بعضی ویژگی‌های این نوع



تفکر ایمانی

تفکر ایمانی در انسان شرایط فهم صحیح را ایجاد می‌کند و موجب شکوفایی استعدادهای او می‌شود. برای تولید چنین تفکری، می‌توان با تمسک به آیات قرآن مجید، از روش‌های متعددی استفاده کرد؛ از جمله:

۱. **تزکیه:** پیامبر عظیم‌الشأن (ص) در روش تربیتی خود، برای واداشتن فرد به تفکر و تدبیر، از تزکیه، تعلیم و تذکر بهره می‌گرفتند. به این ترتیب، ابتدا ذهن مرتب‌تری از افکار مزاحم پاک می‌شود. سپس طریقه‌ی تفکر و تدبیر کردن به او تعلیم داده می‌شود و پس از آن، مرتب‌تری به فطرتش تذکر داده می‌شود.

۲. کندوکاو در مسائل: معصومین(ع) در فرایند آموزش خود

همواره می‌کوشیدند تا شاگردان را به کند و کاو در مسائل علمی وادارند. به گونه‌ای که با پرسش مواجه شوند و پاسخ را از امام بشنوند. در بسیاری مواقع، پاسخ نیز به صورت پرسش مطرح می‌شد تا دانش‌آموز به بحث واداشته شود. در این صورت، در واقع به یک نیاز درونی پاسخ داده شده است و فراگیرنده به خوبی به درک آن نائل می‌آید. در بسیاری مواقع، پاسخ‌های معصومین کلی و سر بسته است و کسانی که اشتیاق لازم را دارند، با طرح پرسش‌های دیگر، به عمق آن برسند.

در قرآن کریم آمده است که فراگیرندگان را به بحث و جدل وادارید [نحل/۱۲۵]. پیامبر(ص) می‌فرماید: علم بیاموزید، زیرا آموختن علم حسنه، بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آن تسبیح، و کاوش در خصوص آن جهاد است.

۳. فهمیدن و به کار بستن: امام علی(ع) چهار مرحله را برای

یادگیری بیان فرموده‌اند: شنیدن، فهمیدن، یقین و به کار بستن. البته به



آموزش را از منظر قرآن می‌آوریم:

الف) فراهم آوردن زمینه‌های تزکیه

ب) ملازمت داشتن با تفکر

آموزش در نگاه قرآن در راستای تحقق اهداف پیامبران الهی است. آموزش مدنظر ما هم آن آموزشی است که باید در مسیر این اهداف، به فرموده حضرت علی (ع)، عقول زیر خاک‌های جهل و بی‌خبری مدفون شده‌ی آدمیان را به فعلیت برساند. این نوع آموزش، مبنای تفکر است.

ج) روح علمی داشتن

این ویژگی موجب می‌شود که علم برآمده از اندیشه، موجب تولید، زایش و نوآوری آن شود. شهید مطهری در این مورد می‌فرماید: اصل در علم و آموزش، زایش و نوآوری علمی است. اصلی‌ترین هدف مراکز علمی-آموزشی، پیشرفت و زایش علمی است و این امر فراهم نمی‌شود، مگر وقتی که آن را از سطح شنیدن و حفظ کردن به اندیشه برسانند.

د) نافع بودن

علم نافع چه علمی است؟ علی (علیه‌السلام) فرمود: «و اعلم انک انما خلقت للاحره لا للدنیا». از نظر ایشان، بهترین علم آن است که آخرت انسان را اصلاح کند. البته بدیهی است که آخرت در گرو اصلاح این دنیاست؛ چرا که: «الدنیا مزرعه الاخره». به عبارت دیگر، علم نافع علمی است که ثمره‌ی عملی داشته باشد؛ یعنی از مرز دانستن بگذرد و به عمل درآید: «نافع العلم ما عمل به».

ه) سوق دهنده فراگیرنده به سوی پرسش

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: «العلم خزائن ومفاتحها السؤال». یعنی، دانش گنجینه است و سؤال کلید آن.

نتیجه‌گیری

فکر صحیحی که قرآن کریم، بشر را به سوی آن دعوت و تشویق کرده، چگونه تفکری است؟ قرآن عزیز آن را معین نکرده و تشخیص آن را به عقل بشر محال کرده است. زیرا عقل فطری بشر در صورتی که آزادی خدادادی‌اش محفوظ مانده باشد، خودش فکر صحیح را می‌شناسد و تشخیص آن در نفوس بشر همواره ثابت است.

زیر نویس

۱. فرهنگ‌نامه‌های معین، صبا، بزرگ سخن، دهخدا، فارسی معلم، معاصر فارسی عمید، لغت‌نامه‌ی انگلیسی و قاموس قرآن.
۲. همان‌طور که حضرت علی (علیه‌السلام) عقل را با عبارت «ما عبد به الرحمن» تعریف می‌فرمایند.
۳. این دو به فرموده‌ی علی علیه‌السلام، برادر، همراه و دو دوست جدانشدنی‌اند (الایمان و العلم اخوان توأمان و رفیقان لایفترقان): [بهشتی ۱۳۶: ۱۳۸۰]
۴. و جز عالمان کسی به عقل در باب آن نخواهد پرداخت [عنکبوت/۴۳].
۵. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۱. چنان که رسول گرامی خود را بر خلق فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی، آلودگی، جهل و شرک پاک و منزّه گرداند و به شما تعلیم شریعت حکمت دهد و از او هر چه را نمی‌دانید، بیاموزید.

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی. نقش نگار. تهران. ۱۳۸۷.
۲. انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن. چاپ‌خانه‌ی مهارت. تهران. ۱۳۸۱.

۳. بهشتی، سعید. آیین خرد پروری. مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر. ۱۳۸۰.
۴. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. مدرسه. تهران. ۱۳۸۵.
۵. بیرجندی، پرویز، و کبیری، قاسم و ... لغت‌نامه‌ی انگلیسی دانشگاهی راهنما: چاپ‌خانه‌ی حافظ. ۱۳۷۸.
۶. جعفری، محمدتقی. ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. دفتر نشر اسلامی. تهران. ۱۳۷۶.
۷. جواد آملی، عبدالله. معرفت‌شناسی در قرآن. مؤسسه‌ی نشر اسرا. قم. ۱۳۷۸.
۸. جواد آملی، عبدالله. مراحل اخلاق در قرآن. مؤسسه‌ی نشر اسرا. قم. ۱۳۷۸.
۹. خوانساری، محمد. منطق صوری (ج ۱ و ۲). مؤسسه‌ی انتشارات آگاه. ۱۳۷۶.
۱۰. زکریایی، محمد. فرهنگ مطهر. ناشر: علی آذریون. تهران. ۱۳۷۸.
۱۱. ری‌شهری، محمد. حکمت و علم در قرآن و حدیث (ج ۱ و ۲). ترجمه‌ی عبدالهادی مسعودی. سازمان چاپ و نشر. قم. ۱۳۸۲.
۱۲. شیخ کلینی رازی. اصول کافی (ج ۴). انتشارات اسلامی. تهران.
۱۳. شهید مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۵.
۱۴. شهید مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت اسلامی. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۵.
۱۵. المعجم المفهرس الکشف الایات القرآن
۱۶. قربشی، علی‌اکبر. قاموس قرآن (ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷). دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۶۴.
۱۷. صوفی، مریم. فرهنگ فارسی معلم. انتشارات جاجرمی. ۱۳۸۰.
۱۸. عمید، حسن. فرهنگ معاصر فارسی عمید. انتشارات امیرکبیر.
۱۹. کلانتری، یاس. راهنما و فهرست ترجمه‌ی میزان فی تفسیر القرآن. محمد حسین طباطبایی. چاپ پیام. انتشارات اوج. ۱۳۶۱.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین ترجمه‌ی میزان فی تفسیر القرآن (ج ۳، ۴، ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۸ و ۲۳). ۱۳۶۵.
۲۱. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. تهران. ۱۳۷۲.
۲۲. مصباح، محمدتقی. اخلاق در قرآن (ج ۲). پارسایان. چاپ اول. ۱۳۷۷.
۲۳. ملکی، حسن. برنامه‌ی درسی و پرورش تفکر. انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۸۰.